

## مطالعات تفسیری آلا.الرحمن

فصلنامه علمی-تخصصی

گروه علمی-تربیتی تفسیر و علوم قرآن جامعه الزهراء (ع)

سال اول \* شماره سوم \* بهار ۱۴۰۲



# بررسی روش‌های تفسیری اهل بیت (ع) در آینه‌ی «البیان فی تفسیر القرآن»

رقیه انصاری چشمه<sup>۱</sup>

## چکیده

از جمله پیش‌نیازهای ضروری تفسیر مبتنی بر کلام معصومین (ع) روش‌شناسی تفسیر آن بزرگواران است. این امر بدین جهت ضرورت دارد که دستیابی به‌فهم صحیح آیات، مبتنی بر شناخت شیوه‌ی تفسیری حضرات معصومین به‌عنوان مفسران حقیقی قرآن است. تاکنون برخی مفسران با بهره‌گیری از روش‌های تفسیری اهل بیت به تفسیر قرآن پرداخته‌اند. از جمله آیت‌الله خویی در «البیان فی تفسیر القرآن» (که بیشتر به‌عنوان اثری در حوزه‌ی علوم قرآن مطرح است تا تفسیر)، این روش را دنبال نموده است؛ ایشان با بیان موضوعات متعدد درصدد آن بوده که از طریق روایات اهل بیت (ع)، به تفسیری جامع در مورد قرآن دست یابد؛ امری که مؤلف در مقدمه این کتاب بدان اشاره نموده است. پژوهش حاضر با روش توصیفی و تحلیلی و با تبع در متن «البیان» و سایر منابع کتابخانه‌ای، درصدد آن است که روش تفسیری اهل بیت (ع) را تبیین نماید. یافته‌های تحقیق نشان داد ایشان علاوه بر طرح تفسیر روشمند، ضمن مباحث تفسیری سوره‌ی حمد به شیوه‌هایی از روش تفسیری آن بزرگواران نیز اشاره نموده و روایاتی را در این زمینه شاهد آورده است. از نظر ایشان روش تفسیر اهل بیت (ع)، جامع بوده و شامل روش قرآن به قرآن، روش مأثور و روش مبتنی بر اجتهاد و عقل است.

## واژگان کلیدی

آیت‌الله خویی، تفسیر البیان، تفسیر اهل بیت (ع)، روش‌شناسی تفسیر، شیوه‌های تفسیری.

## مقدمه

موضوع روش‌شناسی تفسیر اهل بیت علیهم‌السلام از جمله مباحث مطرح شده در حوزه‌ی علوم قرآن و تفسیر است؛ که منظور از آن، پیگیری شیوه‌ی درست تفسیر با بهره‌گیری از منابع معتبر می‌باشد. شیوه‌ی تفسیر معصومین علیهم‌السلام از آن جهت اهمیت دارد که بر اساس مبانی فکری و کلامی شیعه، قرآن و اهل بیت به‌عنوان دو حجت الهی در جهت نیل انسان به هدایت و کمال می‌باشند. از آن‌جاکه شناخت منهج تفسیری ائمه علیهم‌السلام یکی از شیوه‌های تفسیر روشمند و صحیح است، ضرورت دارد تا با آشنایی و پیروی از آن، به مقصود و بطن آیات دست یافت. تاکنون مفسران و اندیشمندان فراوانی در این حوزه به تفسیر قرآن پرداخته‌اند. عمدتاً تفاسیر روایی شیعه از گذشته تاکنون به‌نوعی به‌شکل صریح یا ضمنی از این شیوه بهره گرفته‌اند. این بهره‌مندی در تفاسیر معاصر نظیر المیزان، تسنیم، من وحی القرآن و ... مشهودتر است، زیرا مؤلفان آن‌ها نسبت به متقدمین به‌شکل روشمندتری به تفسیر آیات پرداخته‌اند. هم‌چنین مقالات فراوانی به‌موضوع کلی روش‌شناسی تفسیر پرداخته‌اند؛

از جمله آنان می‌توان به منابع ذیل اشاره نمود:

- روش‌شناسی تفسیر امامان، نوشته‌ی محسن قاسم‌پور؛
- گونه‌شناسی روایات نورالثقلین نوشته‌ی قمرزاده؛
- روش‌شناسی تفسیر منهاج الصادقین تالیف فهیمی تبار؛
- البیان جلوه‌ای از اجتهاد روش‌مند در قرآن، اثر محمد خامه‌گر؛

در این راستا هرچند تاکنون پژوهش‌های مفیدی در این زمینه صورت پذیرفته، ولی این شیوه با نگاه مؤلف «البیان» کمتر مورد توجه قرار گرفته، از این‌رو این مقاله درصدد بررسی این مسئله می‌باشد.

## الف: چیستی روش‌شناسی تفسیر اهل بیت علیهم‌السلام

اساساً مقصود از «روش» در دانش و معرفت تفسیر، فرایندی است که، مفسران را در فهم آیات دنبال می‌کند و اختلاف در آن سبب اختلاف تفاوت در فهم آیات می‌شود و می‌توان از

آن با عنوان مستند یا مستندات<sup>۱</sup> یاد کرد که مفسران در فهم و تفسیر آیات قرآن از آن‌ها بهره گرفته‌اند و از آن، با «منهج تفسیری» نیز تعبیر شده است (مودب، ۱۳۹۰: ۱۲). از نظر برخی از بزرگان، اقسام تفسیر قرآن شامل سه قسم، قرآن به قرآن، قرآن به سنت و قرآن به عقل می‌باشد و بهترین و کارآمدترین شیوه‌ی تفسیری که شیوه‌ی تفسیری اهل بیت علیهم‌السلام نیز هست، روش قرآن به قرآن است که هر آیه با تدبر در سایر آیات تبیین می‌شود و برای فهم قرآن بهترین راه، تدبر تام در قرآن است زیرا قرآن از آن جهت که نور است، هیچ ابهام و تیرگی ندارد. (جوادی آملی، ۱۳۸۸: ۵۹/۱) در مقابل عده‌ای توسعه در روش‌های تفسیری داده‌اند و بر این باورند: روش‌های تفسیری را می‌توان به دو دسته‌ی ناقص و کامل تقسیم نمود: روش‌های تفسیری ناقص که عبارت است از بهره‌وری تنها از یکی از شیوه‌های: تفسیر قرآن به قرآن، روش تفسیر روایی (تفسیر بر اساس سنت)، روش تفسیر علمی، روش تفسیر اشاری، روش تفسیر عقلی و روش تفسیر به‌رأی. در مقابل روش تفسیر کامل قرآن، شامل روشی است که در آن همه‌ی روش‌های صحیح تفسیر (روش‌های پنج‌گانه نخست فوق) استفاده شود تا مقصود آیات به‌طور همه‌جانبه دریافت شود (اصفهان‌ی، ۱۳۸۷: ۳۱/۲). کاربرد روش تفسیر قرآن به قرآن، برای به‌دست آوردن قرائن نقلی قرآنی است که سایر آیات محور تفسیر واقع می‌شود؛ این شیوه مورد استفاده‌ی اهل بیت بوده است. در روش تفسیر روایی، قرائن نقلی و حدیثی مورد استناد است و در روش تفسیری عقلی، قرائن عقلی و اجتهادی محور تفسیر واقع می‌شود. در روش علمی نیز، مستندات قطعی علمی و تجربی کاربرد دارد. جهت دریافت بطن و تاویل آیه از روش تفسیری اشاری استفاده می‌شود. در تفسیر به‌رأی نیز هر آنچه به‌عنوان برداشت‌های ذوقی و استحسانات مفسر بدون دلایل و قرائن اثبات شده استفاده شود، تفسیر به‌رأی است. در بحث تعیین نسبت قرآن و روایات تفسیری نیز، چهار دیدگاه قرآن‌بسنده‌ی، روایت محوری، در عرض هم بودن قرآن و روایات و استقلال قرآن در بیان، مطرح است (قمرزاده و دیگران، ۱۳۹۷: ۴۴). این در حالی است که بر اساس دیدگاه اخباریون روایت محوری و بر اساس نظر مشهور، دیدگاه در عرض هم بودن قرآن و روایات اصالت دارد (معرفت، بی‌تا: ۹۸/۱). هر چند اساساً موضوع استقلال قرآن در بیان، اصل

است (طباطبایی، ۱۴۱۷: ۹/۱).

محور دیگر مربوط به روش های تفسیری، مصادر تفسیر می باشد که میان شیعه و اهل سنت تفاوت است؛ در حالی که شیعه، اموری همانند: آیات قرآن، سنت پیامبر، روایات اهل بیت، واجتهاد و تعقل را از مصادر تفسیر می داند؛ اهل سنت نقل از پیامبر ﷺ، اخذ به قول صحابه، اخذ به مطلق لغت و تفسیر به مقتضای کلام را در باب تفسیر معتبر می دانند. در زمینه ی مقدار و کمیت تفاسیر مروی از رسول خدا ﷺ نیز اختلاف وجود دارد؛ برخی ادعا می کنند آن حضرت، معانی تمامی آیات را برای اصحاب بیان کرده و در مقابل عده ای می گویند آن بزرگوار، فقط در پاسخ به سوالات در زمینه ی آیه، تفسیر آن را بیان نموده است (مودب، ۱۳۹۰: ۲۱). در هر صورت، تفسیر در مرحله ی آغازین خود به صورت تفسیر به مآثور بوده، و آن چه به نام جریان تفسیر به مآثور در تاریخ تفسیر قرآن مطرح است، در ابتدا به روایت نبوی انحصار دارد. شیعه نیز به نص قرآن، قول پیامبر ﷺ را در تفسیر آیات قرآن حجت می داند؛ اما برای اقوال صحابه و تابعین حجیتی قائل نیست (طباطبایی، ۱۳۶۱: ۵۷). در زمینه ی شیوه ی تفسیری اهل بیت  به عنوان جانشینان بر حق پیامبر ﷺ می توان ادعا نمود: شیوه ی تفسیری آنان نیز مآخوذ از روش تفسیری پیامبر بوده است، چراکه اهل بیت در تفسیر قرآن، نخست روش تفسیر قرآن به قرآن را تعلیم داده و سپس، ضمن آن که به تدبّر در ظاهر و باطن آیات بسیار تاکید داشته اند، بر سنت پیامبر ﷺ نیز، استشهاد کرده اند؛ بر این اساس راه اجتهاد و تعقل در فهم آیات را سایر مفسران از آنان فرا گرفته اند (مودب، ۱۳۹۰: ۷).

پیامبر اکرم ﷺ و امامان معصوم  در داوری ها و احتجاجات و در پاسخ به پرسش های تفسیری، آیات قرآن را به یکدیگر ارجاع می دادند و با سایر آیات، آیه ی مورد نظر خود را تفسیر می کردند. در واقع تفسیر قرآن به قرآن سیره ی عملی اهل بیت  بوده بعدها این شیوه مورد استفاده ی سایر مفسرین و اندیشمندان قرار گرفته است (جوادی آملی، ۱۳۸۸: ۱/ ۷۲). همچنین بر اساس آیه ﴿فَسَأَلُوا أَهْلَ الذِّكْرَانِ كُنْتُمْ لَا تَعْلَمُونَ﴾ (نحل: ۴۳) و آیه ﴿إِنَّمَا يَرِيْدُ اللَّهُ لِيُذْهِبَ عَنْكُمُ الرِّجْسَ أَهْلَ الْبَيْتِ وَيُطَهِّرَكُمْ تَطْهِيرًا﴾ (احزاب: ۳۳) اهل بیت  بهترین مرجع برای دریافت

تفسیر آیات واحکام الهی هستند. از امام باقر علیه‌السلام نیز روایتی نقل شده که در آن آمده: «إِنَّ مِنْ عِلْمٍ مَا أَوْتِينَا تَفْسِيرَ الْقُرْآنِ وَ أَحْكَامَهُ، وَ عِلْمَ تَغْيِيرِ الزَّمَانِ وَ حَدَثَانِهِ، إِذَا أَرَادَ اللَّهُ بِقَوْمٍ خَيْرًا أَسْمَعَهُمْ، وَ لَوْ أَسْمَعَ مَنْ لَمْ يَسْمَعْ، لَوَلَّى مُعْرِضًا كَأَنْ لَمْ يَسْمَعْ. ثُمَّ أَمْسَكَ هُنَيْئَةً» ثُمَّ قَالَ: «وَ لَوْ وَجَدْنَا أَوْعِيَةً أَوْ مُسْتَرَحًا لَقُلْنَا؛ از جمله علومى که به ما [اهل بیت] داده شده، علم تفسیر و احکام قرآن و ... است. اگر راز نگهداران یا افراد مورد اطمینانی را می‌یافتیم، تفسیر آیات را به آن‌ها می‌گفتیم» (کلینی، بی تا: ۳۳۲/۱).

با توجه به نکات کلی فوق می‌توان روش تفسیر اهل بیت علیهم‌السلام را شامل موارد زیر دانست:

## ۱. روش قرآن به قرآن

تأمل در روایات تفسیری اهل بیت علیهم‌السلام نشان می‌دهد که طریق تفسیر قرآن به قرآن، قدیمی‌ترین روش تفسیری است (طباطبایی، ۱۳۹۳: ۲۵/۱). علامه طباطبایی بر این باور است که پیامبر صلی‌الله‌علیه‌وآله‌وسلم و اهل بیت علیهم‌السلام در تفسیر آیه‌ای، از حجت و برهانی علمی و نظری یا فرضیه‌ای علمی کمک نگرفته‌اند (همان). بر اساس آیه ﴿وَنَزَّلْنَا عَلَيْكَ الْكِتَابَ بَيِّنَاتٍ لِكُلِّ شَيْءٍ﴾ (نحل: ۸۹) اینکه قرآن تبیان برای هر چیزی است، چگونه بیان خودش نباشد؟ اهل بیت علیهم‌السلام نیز با توجه به این اصل روشن، این روش را در تفسیر قرآن به کار بسته‌اند. به عنوان نمونه امام علی علیه‌السلام آیه‌ی ﴿أَهْدِنَا الصِّرَاطَ الْمُسْتَقِيمَ﴾ (حمد: ۵) را به کمک آیه‌ی ﴿وَمَنْ يُطِيعِ اللَّهَ وَالرَّسُولَ فَأُولَئِكَ الَّذِينَ﴾ (نسا: ۶۹) تفسیر کرده است (تفسیر امام عسکری، بی تا: ۵۰) هم چنین آن حضرت در تبیین آیه‌ی ﴿لَا يَنْتَظِرُ الْعَهْدِي الظَّالِمِينَ﴾ (بقره: ۱۲۴)، به آیه‌ی ﴿إِنَّ الشَّرْكَ لظُلْمٌ عَظِيمٌ﴾ (لقمان: ۱۳) استناد می‌کند. از رهگذر این تفسیر، ظلم به شرک، تفسیر می‌شود (طبرسی، ۱۳۸۶: ۲۵/۱).

## ۲. تفسیر به ماثور

ائمه علیهم‌السلام افزون بر بهره‌گیری از روش قرآن به قرآن، در مواردی، تفسیر خود را به سخنان پیامبر صلی‌الله‌علیه‌وآله‌وسلم یا دیگر امامان مستند ساخته‌اند. حضرات معصومین، تفسیر آیات بسیاری را از رسول خدا صلی‌الله‌علیه‌وآله‌وسلم آورده‌اند. مثلاً امام رضا علیه‌السلام در تفسیر آیه‌ی شریفه ﴿وَقُولُوا حِطَّةٌ نَغْفِرْ لَكُمْ خَطَايَاكُمْ وَ سَنَزِيدُ الْمُحْسِنِينَ﴾ (بقره: ۵۸)، قول امام باقر علیه‌السلام را که فرمود: «ما حِطَّةٌ شما

هستیم»، در تفسیر آیه آورده است (عیاشی، ۱۴۲۱: ۱/۱۳۵).

### ۳. تفسیر باطنی یا تأویل گرایانه

بخش اصلی تفسیر اهل بیت علیهم السلام، حول محور تفسیر معنوی قرآن است. تفسیر معنوی، همان تفسیر باطنی یا تبیین مفهومی آیات به شمار می‌رود. این سخن به این معنا نیست که آنان به شرح الفاظ یا بیان لغوی کلمات و آیات قرآن اهتمام نداشته‌اند؛ بلکه به این معنا است که قرآن به لحاظ داشتن وجوه گوناگون، تفسیر یا تأویل‌های متفاوت را برمی‌تابد و این‌جا است که حضور معنوی و علمی اهل بیت در جایگاه مصداق اهل ذکر معنا می‌یابد. بر این اساس، تأویل آیات به صورت مصادیق بارز راسخان در علم، دامنه‌ی گسترده‌ای را در حوزه‌ی روایات تفسیری شامل شده است. تأویل‌گرایی یا تفسیر معنوی امامان، در شیوه‌های ذیل تبلور یافته است.



### الف: تعیین مصداق یا تطبیق

در این روش، آیات با واقعیات و حوادث محسوس یا انسان‌هایی خاص تطبیق می‌یابد. در فرآیند تطبیق، مفهوم معنوی آیات، چهره‌ای عینی به خود گرفته است. به‌عنوان نمونه تفسیر امام باقر علیه السلام از آیه **﴿يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا ادْخُلُوا فِي السِّلْمِ﴾** (بقره: ۲۰۸) که منظور از **﴿السِّلْمِ﴾** را آل محمد و ولایت آنان می‌داند (عیاشی، ۱۴۲۱: ۱/۲۱۳).

### ب: توسعه‌ی مفهومی یا جری و تطبیق

این اصطلاح، از روایت امام باقر علیه السلام مأخوذ است. در حدیثی آمده که آن حضرت فرمودند: «اگر این‌گونه باشد که وقتی آیه‌ای درباره‌ی قومی نازل شد، پس از آن که آن قوم مردند، آن آیه نیز بمیرد، از قرآن چیزی باقی نمی‌ماند؛ اما قرآن، تا آسمان‌ها و زمین برقرار است، جاری خواهد بود و برای هر قوم، آیه‌ای است که آن را می‌خوانند و از آن، بهره‌ی نیک یا بد دارند» (همان: ۸۵). تفسیر امام علی علیه السلام از مفهوم «نصیب» در آیه‌ی شریفه‌ی **﴿وَلَا تَنْسَ نَصِيبَكَ مِنَ الدُّنْيَا﴾** (قصص: ۷۷) که درباره‌ی قارون است، به مفاهیم سلامت، توانایی، فراغت و جوانی توسعه دادن، شاهدهی بر این مطلب است (حویزی، بی‌تا: ۱۳۹/۴).

هرچند بیشترین شیوهی تفسیری که اهل بیت علیهم السلام در تفسیر آیات بیان نموده‌اند، تفسیر قرآن به قرآن و تفسیر ماثور است، ولی بنا به اقتضای شرایط و فهم افراد، ایشان نقش تعلیمی خویش را به عنوان مفسران واقعی ایفا می نمودند و در واقع، یکی از شیوه‌های صحیح تفسیر آیات را تعلیم می دادند. لزوم بهره‌گیری از شیوهی تعلیمی اهل بیت علیهم السلام از آن رو حایز اهمیت است که به بهره‌مندی هر چه بیشتر از مفاهیم آیات با میزان‌های مورد نظر آن بزرگواران و دریافت فهم درست آن منجر می‌شود و مانع تفسیر به‌رأی می‌شود.

### ج: روش‌شناسی تفسیر کتاب «البیان فی تفسیر القرآن»

شیوهی تفسیری آیت‌الله خویی در البیان شیوهی خاصی است که ایشان در ابتدای کتاب چنین نگاشته است:

«ما در این تفسیر به مباحث و موضوعاتی که مربوط به معانی قرآن است، خواهیم پرداخت و از مباحثی که مربوط به الفاظ و اعراب قرآن و علوم ادبی آن است صرف نظر خواهیم نمود، زیرا علما و مفسرین این گونه مباحث را در کتاب‌های متعددی آورده‌اند، که نیازی به کتاب دیگر نیست. شیخ طوسی در تبیان و طبرسی در مجمع البیان و زمخشری در کشف، و ما نیز تنها بعضی از نکات ادبی که مفسرین از آن غفلت ورزیده‌اند و یا به علت اهمیت موضوع و ارتباط خاصی که با اصل بحث دارد، خواهیم پرداخت» (خویی، ۱۳۸۲: ۲۹).

در ادامه ایشان مبنای روش تفسیری خویش را متکی بر ظواهر آیات قرآن مجید، محکمات و آیات صریح و روشن قرآن، روایاتی که در اثر تواتر و کثرت نقل، صحت آن‌ها ثابت گردیده، احادیث صحیح‌السند اهل بیت و عقل فطری که به عنوان حجت باطنی و درونی است، معرفی می‌نمایند و در این راستا جایگاه خاصی برای قرآن در تفسیر آیات قائل هستند و روش تفسیر را مبتنی بر روش نقلی قرآن به قرآن و روایات می‌دانند و در این زمینه می‌گویند:

«ما معمولاً در تفسیر یک آیه از مفهوم آیه دیگر استفاده می‌کنیم و خود قرآن را وسیله‌ی درک معانی قرآن قرار می‌دهیم و در فهم و درک قرآن از خود قرآن

یاری و راهنمایی می‌طلبیم و احادیث وارده را بر این روش و بر آن چه از ظاهر آیات قرآن فهمیده‌ایم، شاهد و مؤید می‌آوریم» (همان: ۳۱).

### د: منابع تفسیر از نظر صاحب «البیان»

آیت‌الله خوئی در زمینه‌ی شیوه‌ی صحیح تفسیر که برگرفته از منابع معتبر باشد قائلند، در تفسیر قرآن، نباید از ظنّ و گمان و آنچه حجیت و اعتبار عقلی و یا شرعی ندارد، پیروی کرد، بلکه باید به دلایل علمی و اطمینان بخش و به مدارکی که از نظر عقل و یا شرع اعتبار و مدرکیت آن ثابت شده است، استناد شود، از این رو، اگر بیانی برخلاف عمومیت ظاهر یک آیه باشد می‌توان از عمومیت و کلیت آن آیه دست برداشت و مفهوم کلی و عام این آیه را با آن خبر معتبر گرچه خبر واحد باشد، تخصیص زد؛ زیرا معنای حجیت و اعتبار خبر واحد این است که مضمون آن خبر از معصوم علیه السلام صادر گردیده است. مفسر قرآن در مسیر تفسیرش باید تنها از مدارک علمی، عقلی، و شرعی که شامل ظواهر الفاظ قرآن، عقل فطری و سالم از تأثیرات افکار و سلیقه‌های شخصی، دستورها و گفتارهایی که به طور حتم از ناحیه‌ی معصوم علیه السلام رسیده و اخبار ظنی معتبر است پیروی نماید، زیرا سند قرآن گرچه قطعی و مسلم است، ولی دلالت آن ظنی است و از نظر عقل هیچ اشکال و مانعی نیست که از یک مفهوم و دلالت ظنی به خاطر یک دلیل ظنی دیگری که حجیت و اعتبار آن با دلایل مسلم و قطعی ثابت شده است، دست برداشته شود. هم‌چنین اگر خبر واحد معتبری به ما رسد که با کلیت و عمومیت ظاهر آیه‌ای از آیات قرآن تصادم جزئی و موردی داشته باشد، نه با اصل آن، این گونه خبر، مبین و مفسر آن آیه است و نشان دهنده‌ی این است که کلیت ظاهری آن آیه منظور و مقصود نبوده است. از سوی دیگر روایات زیادی به‌عنوان مخصّص و بیان‌کننده‌ی عمومات قرآن با مقید مطلقات آن به‌طور متواتر از ائمه‌ی معصومین علیهم السلام وارد شده است. اهل‌بیت علیهم السلام موافق بودن یکی از دو خبر متعارض با قرآن را موجب انتخاب و ترجیح آن خبر موافق می‌دانند و این خود دلیل بر این است که خبر مخالف با ظاهر عموم آیه قرآن، به‌ذات خود اعتبار و حجیت داشته است، منتها در اثر داشتن یک معارض قوی‌تر و موافق با قرآن از آن خبر به‌ظاهر مخالف،





انصراف حاصل گردیده است و اگر در اصل اعتبار و حجیت نداشت، دیگر مجالی برای معارضه و ترجیح دادن باقی نمی ماند (همان: ۵۳۳). بر این مبنا در ذیل به بررسی شواهدی از روش تفسیری اهل بیت علیهم السلام در «البیان» می پردازیم.

## هـ: جلوه‌هایی از روش‌های تفسیری اهل‌البیت علیهم السلام در «البیان»

### ۱. استناد به ظواهر قرآن (حجیت ظواهر قرآن)

از نظر آیت‌الله خویی ظواهر قرآن حجت هستند. معنای این سخن آن است که معنای ظاهری قرآن مبنا قرار گیرد و می‌توان در موارد مختلف به معنای ظاهری آن تکیه کرده، آن را مستقلاً مورد عمل قرار داد و در گفتار و نظریات و استدلال‌های خویش به آن تمسک جست زیرا ظواهر قرآن برای عموم مردم حجت و مدرک می‌باشد (همان: ۳۲۹). ایشان در ادامه، ده مصداق از استناد به ظواهر آیات را بیان می‌نمایند (خویی، ۱۳۸۲: ۳۳۴-۳۳۲). از جمله در حدیثی آمده زراره از امام صادق علیه السلام پرسید: «از کجا به دست آورده‌اید که در وضو به قسمتی از سر باید مسح کرد نه به همه آن؟» امام علیه السلام در جواب وی فرمود: «لمکان الباء»، در آیهی ﴿فَامْسَحُوا بِرُءُوسِكُمْ وَأَيْدِيكُمْ﴾ (ساء: ۴۳) یعنی به جهت وجود «باء» که در آیه وضو به کار رفته است و از ظاهر آن چنین برمی‌آید که تنها به قسمتی از سر مسح کردن کافی است نه به تمام آن» (کلینی، ۱۴۱۱: ۳).

### ۲. روایات معتبره از اهل‌بیت علیهم السلام

دستورها و گفتارهایی که به‌طور حتم از ناحیه‌ی معصوم علیه السلام رسیده، در تفسیر قرآن کاملاً دارای اعتبار و قابل تبعیت است، زیرا آنان در مسائل دینی مرجع معتبر و اطمینان بخشی هستند، اخبار ظنی معتبر هم در تفسیر قرآن قابل استناد و اتکا می‌باشند، از این رو روایات صحیحی که به‌طور قطع از معصوم علیه السلام صادر گردیده، بدون شک در تفسیر قرآن قابل اتکا و استناد است؛ البته استناد کردن به روایات ضعیف، مسلماً جایز و روا نیست؛ از روایات غیر قطعی اما معتبر یعنی از «خبر واحدی» که دارای شرایط حجیت و اعتبار است، نیز می‌توان در تفسیر قرآن استفاده نمود و مفسر می‌تواند در مسیرش به آن‌ها استناد کند، زیرا اقتضای

حجیت و اعتبار، همین است (خوبی، ۱۳۸۲: ۵۲۸). نمونه‌هایی از این استنادات که در البیان آمده چنین است راوی می‌گوید: «از امام صادق علیه السلام از آیهی ﴿وَهُوَ اللَّهُ فِي السَّمَاوَاتِ وَ فِي الْأَرْضِ﴾ (انعام: ۳) پرسیدم» امام فرمود: «آری او در همه جا است» گفتیم: «آیا با وجود و ذات خود در همه جا حضور دارد؟» امام فرمود: «وای بر تو مکان‌ها محدود است، اگر بگویی که خدا به‌ذاته در فلان مکان وجود دارد، لازمه‌اش این است که بگویی که خداوند در یک مکان محدود قرار گرفته و دارای صفت مخلوق است، ولی این چنین نیست. او نه محدود است و نه در یک مکان محدود می‌گنجد و نه صفت مخلوق را دارا است بلکه او صفات جدا از مخلوق را دارا است و در عین حال با علم، قدرت و تسلطش بر همه‌ی مخلوقات، احاطه دارد» (بحرانی، ۱۴۱۶: ۱/ ۳۱۵). هم‌چنین معاویه بن عمار می‌گوید: «به امام صادق علیه السلام عرضه داشتیم، در نماز که سوره‌ی حمد را تلاوت می‌کنم «بسم الله» را نیز بخوانم؟» امام فرمود: «بلی» مجدداً پرسیدم: «بعد از سوره‌ی حمد، سوره‌ی دیگری در نماز می‌خوانم «بسم الله» را با آن سوره هم باید بخوانم؟» امام فرمود: «آری» (کلینی، بی‌تا: ۳/ ۳۱۳).

### ۳. استنادات ادبی و عقلی در تفسیر

عقل فطری و سالم، از تأثیرات افکار و سلیقه‌های شخصی، در مسیر تفسیر یکی از منابع قابل تبعیت است، زیرا عقل حجت و راهنمای صحیح و معتبر درونی است، همان‌طور که پیامبر حجت و راهنمای برونی است. شواهدی از این استناد را آیت‌الله خوبی در تفسیر سوره‌ی حمد آورده‌اند:

یک: ایشان در تفسیر آیهی ﴿بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ﴾ (حمد: ۱) پس از بیان نکات ادبی می‌فرماید: «بعضی علمای تفسیر معتقدند که، جار و مجرور «بسم الله» به «اقول» یا «قل» و یا «اقرأ» متعلق است، و گروه دیگر از مفسرین می‌گویند که، جار و مجرور «بسم الله» به «استعین» و یا «استعن» تعلق و وابستگی دارد، گروه سومی آن را به «ابتداء» متعلق می‌دانند، ولی به عقیده‌ی ما دو نظریه‌ی اولی باطل و نادرست است: اما نظریه‌ی اول بدین جهت باطل است که مفعول ماده‌ی قرائت و قول باید جمله‌ای باشد دارای معنای تام، در این صورت

مجبوریم علاوه بر خود این کلمات جمله‌ی دیگری نیز تقدیر و منظور کنیم، تا مقول قول و مفعول قرائت باشد، در صورتی که این تقدیر یک عمل اضافی و بی‌جا است و بطلان نظریه‌ی دوم به این دلیل است که استعانت و یاری خواستن خود خداوند محال است زیرا او حتی از استعانت کردن از اسمای کریمه‌اش نیز غنی است و اما استعانت نمودن مردم، آن هم باید از خود خدا باشد نه از اسمای او چنان که این حقیقت در جمله‌ی ﴿إِيَّاكَ نَعْبُدُ وَإِيَّاكَ نَسْتَعِينُ﴾ آمده است. پس بهترین نظریه در این مورد نظریه‌ی سوم است که جار و مجرور «بسم الله» به «ابتدا» متعلق است» (همان: ۵۷۲).

دو: از جمله مواردی که ایشان به استناد عقل به تفسیر آیه اشاره می‌نمایند جایی است که، موضوع سجده‌ی فرشتگان بر حضرت آدم مطرح می‌شود و با طرح شبهه در این باره که اگر سجده برای غیر خدا جایز نیست، پس سجده‌ی فرشتگان برای آدم ﷺ چگونه بوده و چرا جایز شده است؟ ایشان این نظر را که می‌گویند سجده‌ی فرشتگان برای آدم ﷺ به معنای خضوع و اظهار کوچکی است نه به معنای معروف و معهود، آن رد نموده و می‌گوید به نظر ما این نظریه، مردود است، زیرا مفهوم سجده که در آیه‌ی سجده‌ی فرشتگان آمده است، غیر از مفهوم خضوع است و این دو، مفهوماً با هم تفاوت دارند و بدون داشتن گواه و قرینه هم نمی‌توان آن را بدین معنی تفسیر کرد. چون سجده برای آدم به فرمان خدا بود، پس انجام دادن آن برای خدا به خاطر اطاعت و فرمان از خدا بوده است، این است که آن سجده در واقع جز سجده بر ذات مقدس پروردگار چیزی دیگری نمی‌تواند باشد (همان: ۶۲۰).

### نتیجه‌گیری

از جمله شیوه‌های تفسیر قرآن بهره‌گیری از روش تفسیری اهل بیت ﷺ می‌باشد. منهج تفسیر این بزرگان، جامع بوده و شامل روش قرآن به قرآن، روش ماثور و روش مبتنی بر اجتهاد و عقل است. آیت‌الله خوئی در کتاب «البیان» با طرح موضوعات گوناگون علوم قرآنی و بیان روشی نوین استناداتی در تفسیر آیات به منهج تفسیری اهل بیت نموده‌اند و این شیوه را روشی صحیح در تفسیر برمی‌شمارند. ایشان مبنای روش تفسیری خویش را با اتکاء بر طریق

معصومین علیهم السلام مبتنی بر ظواهر آیات قرآن، اتکاء بر محکمات و آیات صریح و روشن قرآن، روایاتی که در اثر تواتر و کثرت نقل، صحت آنها ثابت گردیده، احادیث صحیح السند اهل بیت علیهم السلام و عقل فطری که به عنوان حجت باطنی و درونی است معرفی می نمایند. هم چنین ایشان در این راستا جایگاه خاصی برای قرآن در تفسیر آیات قائل هستند و روش تفسیر را مبتنی بر روش نقلی قرآن به قرآن و روایات می دانند. از نظر ایشان اهل بیت علیهم السلام در تفسیر آیات، امر نموده اند: نباید از ظن و گمان و آنچه حجیت و اعتبار عقلی و یا شرعی ندارد، پیروی کرد؛ از این رو باید به دلایل علمی و اطمینان بخش و به مدارکی که از نظر عقل و یا شرع اعتبار و مدرکیت آن ثابت شده است، استناد شود، بنابراین اگر روایتی معتبر بر خلاف عمومیت ظاهر یک آیه باشد، می توان از عمومیت و کلیت آن آیه دست برداشت و مفهوم کلی و عام این آیه را با آن خبر معتبر گرچه خبر واحد باشد، تخصیص زد. با این بیان روش تفسیری اهل بیت علیهم السلام روشی جامع بوده که مبتنی بر ارجاع به آیات دیگر، روایات معتبره و براهین عقلی می باشد؛ مضافاً اینکه نباید از نقش تعلیمی این اولیاء پاک الهی در آموزش شیوهی تفسیری صحیح غفلت نمود، چراکه آنان با ارائه ی ضوابط و اصول یک تفسیر درست، مسیر صحیح تفسیر آیات را تبیین نمودند.

## کتابنامه

۱. قرآن کریم، (۱۳۷۶). ترجمه ناصر مکارم شیرازی، دفتر مطالعات تاریخ و معارف اسلامی، قم.
۲. بحرانی، سیدهاشم، (۱۴۱۶). *البرهان فی تفسیر القرآن*، بی‌نا، تهران.
۳. جوادی آملی، عبدالله، (۱۳۸۸). *تسنیم*، چ ۸، اسراء، قم.
۴. حرعاملی، محمدبن حسن، (بی‌تا). *وسائل الشیعه الی تحصیل الشریعه*، محقق ربانی شیرازی، بی‌نا، بیروت.
۵. خامه‌گر، محمد، (۱۳۸۷). *البیان جلوهای از اجتهاد روشمند در تفسیر قرآن*، پژوهش‌های قرآنی، ش ۵۳.
۶. خوبی، سید ابوالقاسم، (۱۳۸۲). *البیان فی تفسیر القرآن*، مترجم محمدصادق نجمی، هاشم هاشم‌زاده هریسی، چ ۱، وزارت ارشاد، تهران.
۷. رضایی اصفهانی، محمدعلی، (۱۳۸۷). *منطق تفسیر قرآن* (روش‌ها و گرایش‌های تفسیری)، چ ۳، جامعه‌المصطفی‌العالمیه، قم.
۸. طباطبایی، سیدمحمدحسین، (۱۳۶۱). *قرآن در اسلام*، بی‌نا، قم.
۹. \_\_\_\_\_، (۱۳۹۳). *المیزان فی تفسیر القرآن*، موسسه‌ی اعملی، بیروت.
۱۰. طبرسی، ابومنصور، احمدبن علی، (۱۳۸۶). *احتجاج*، محقق سیدمحمدباقر خراسانی، بی‌نا، نجف.
۱۱. عروسی حویزی، عبدالعلی، (بی‌تا). *نورالتقلین*، محقق سیدهاشم رسولی محلاتی، افسر، قم.
۱۲. العسکری، امام ابومحمد الحسن بن علی، (بی‌تا). *تفسیر منسوب به امام عسکری*، منشورات امام مهدی، قم.
۱۳. عیاشی سمرقندی، محمدبن مسعود، (۱۴۲۱). *التفسیر*، قسم الدراسات الاسلامیه، قم.
۱۴. قاسم‌پور، محسن، (۱۳۸۲). *نگاهی به روش‌شناسی تفسیر امامان*، قبسات، ش ۲۹.
۱۵. قمرزاده، محسن، و دیگران، (۱۳۸۲). *تحلیل نظریه‌ها در کارکرد روایات تفسیری بر محورگونه‌شناسی روایات نور روش‌های تفسیری از دیدگاه ملاصدرا*، پژوهش‌های قرآنی، سال ۱۳، ش ۵۲.
۱۶. کلینی، محمدبن یعقوب، (بی‌تا). *الکافی*، مترجم جواد مصطفوی، دفتر نشر فرهنگ اهل بیت، تهران.
۱۷. معرفت، محمدهادی، (بی‌تا). *التفسیر الاثری الجامع*، التمهید، بی‌نا، قم.
۱۸. مؤدب، سیدرضا و دلیر، محسن، (۱۳۹۷). *عرضه‌ی احادیث بر قرآن در تفاسیر البیان و المیزان*، فصلنامه‌ی پژوهشی قرآن و احادیث، سال ۱۵.
۱۹. \_\_\_\_\_، (۱۳۹۰). *روش‌های تفسیر قرآن*، چ ۱، دانشگاه قم، قم.